

روزشمار انتفاضه شعبانیه

در نجف اشرف

و بررسی علل شکست قیام

ولید حلی^۱

مترجم: محمدحسین خوشنویس

چکیده

نجف اشرف به سبب وجود مرقد نورانی امیرمؤمنان علیه السلام نقطه عطفی برای شیعیان عراق و تمام جهان اسلام و مرکز دینی و سیاسی، آینه تمام‌نمای مبارزه در راه حق و ایستادگی در برابر گمراهی و انحطاط به شمار می‌رود. این شهر مقدس به برکت حضور مراجع عظیم‌الشان شیعه، همواره پیشتاز مبارزه با حکومت‌های ستمکار بوده و هیچ‌گاه در برابر حاکمان خودکامه سکوت نکرده است. خیزش‌های مردمی فراوانی که از این شهر برخاسته، گواه این مدعاست. یکی از این قیام‌های مردمی، خیزش مردم نجف در ماه شعبان سال ۱۴۱۱ قمری است که به انتفاضه شعبانیه معروف شد. این قیام از کربلا آغاز شد؛ ولی رهبری و ادامه آن را نجف بر عهده گرفت. این انقلاب مردمی به شکست انجامید و به هدف اصلی خود که سرنگونی حکومت صدام بود دست نیافت. رژیم بعث نیز در سرکوبی این قیام، به فجیع‌ترین جنایت‌های بشری دست زد.

این مقاله ضمن شرح دادن رویدادهای این انقلاب مردمی به صورت روزشمار، پنج علت را عامل ناکامی این قیام دانسته و در پایان، برخی از موارد نقض حقوق بشر از سوی رژیم بعث در انتفاضه شعبانیه را برشمرده است.

واژگان کلیدی: نجف، انتفاضه شعبانیه، صدام، رژیم بعث، انقلاب مردمی.

نجف اشرف همواره در نبرد با ستم طاغوت پیشرو بوده و زیر ستم حاکمانی که اسلام را پوششی برای دشمنی با مسلمانان یا جذب منافع شخصی و خانوادگی به خدمت گرفته‌اند، نرفته است.

نجف اشرف به سبب وجود مرقد نورانی امیر مؤمنان علی (علیه السلام) تبدیل به نقطه عطفی برای شیعیان عراق و بلکه جهان اسلام شده و به عنوان مرکزی دینی و سیاسی، آئینه تمام‌نمای مبارزه در راه حق و خسته نشدن و ایستادگی در برابر گمراهی و انحطاط بوده و برای همه مجاهدان در راه خدا الهام‌بخش است. این شهر مقدّس به برکت حضور مراجع عظیم الشان شیعه، استقلال سیاسی خود را حفظ کرده و حوزه علمیه‌ای دارد که صدها مجتهد و هزاران طلبه فاضل را در خود پرورش داده و به اقصی نقاط جهان فرستاده است.

رهبری ثورة العشرین بر ضد اشغالگری انگلیس در ۱۹۲۰ م و انتفاضه ۱۳۹۷ و ۱۳۹۹ ق در پی دستگیری و به شهادت رسیدن آیت‌الله سید محمدباقر صدر توسط حزب بعث، از جمله فعالیت‌های سیاسی نجف اشرف است.

تلاش‌های آیت‌الله سید محمد صادق صدر در برپایی نماز جمعه نجف اشرف فراموش ناشدنی است. این تلاش‌ها در جهت هر چه بیشتر پررنگ کردن جنبه مقاومت جهادی در این شهر بود. این امر به قدری بغرنج شده بود که سید با دو فرزندش پس از اقامه نماز جمعه به تاریخ سوم ذی‌قعدة ۱۴۱۹ به دست بعثی‌ها به شهادت رسیدند.

پس از شروع انقلاب مردمی کربلا در ماه شعبان (معروف به انتفاضه شعبانیه) نجف نیز

به پا خاست؛ به‌ویژه پس از جنگ صدام با کویت، امید به ثمربخشی قیام بیشتر شد. هرچند شروع انتفاضه از نجف نبود، اما قطعاً رهبری ادامه انقلاب بر دوش نجف قرار گرفت. این مقاله در حدّ بضاعت خود، به گزارشی مختصر وقایع قیام می‌پردازد و در پایان، به دلایل ناکامی انتفاضه نگاهی خواهد داشت.

جمعه، ۱۴ شعبان

حرکت مردمی به ناصریه رسید و بازگشت همزمان سربازان جنگ با کویت به شهر بصره، بر شور و هیجان مردم افزوده است. جوانان به خیابان‌ها آمده و دیوار ترس از دولت و بعثی‌ها را فرو ریختند. در پی انتشار این خبر، فضای امنیتی نجف نیز شکسته شد. در این میان مراسم احیا و جشن شب نیمه شعبان در کنار مرقد مطهر امیر مؤمنان علیه السلام مبدل به همایشی ضد دولتی و تظاهراتی پُرشور شد. در این همایش از عموم مردم برای شرکت در تظاهرات اصلی در فردای آن روز دعوت به عمل آمد.^۲

شنبه، ۱۵ شعبان

جمع زیادی از مردم در صحن مطهر علوی گرد هم آمدند؛ اما در محاصره دستگاه‌های امنیتی قرار گرفته و برخی از ایشان دستگیر شدند. برای پیش‌گیری از گسترش حرکت سازمان‌یافته مردم و برای ایجاد ترس و زهر چشم گرفتن، از آن شب تحرّکات اطلاعاتی شدیدی از سوی دولت بعثی در نجف آغاز شد. دولت عراق که می‌دانست مرجعیت شیعه در نجف ممکن است مرکزیتی در این قیام پیدا کند، نیروی خود را در این شهر متمرکز کرد.



نیروهای اطلاعاتی، مردمی که قصد بیرون آمدن از حرم مطهر امیر مؤمنان علیه السلام داشتند را محاصره می‌کنند، اما این بار مردم ساکت نمی‌مانند و با هر چه به دستشان می‌رسد، به مبارزه برمی‌خیزند. نتیجه این درگیری تعدادی کشته و زخمی از هر دو طرف بود.

جوانان، مردم را به مشارکت فعال‌تر در این تحوّل سیاسی تشویق نموده و آنان را برای تظاهرات در روزهای آینده بسیج می‌کردند. اخبار پیروزی‌ها و پیشروی مردم در ناصریه و بصره، به سرعت منتشر می‌شود. ستاد مرکزی مردمی بعدازظهر روز یکشنبه ۱۶ شعبان را زمان موعود تجمع در حرم مطهر اعلان می‌نماید.

یکشنبه، ۱۶ شعبان

ساعت ۱۳:۴۵ بعدازظهر تظاهرات آغاز شد. شعارها علاوه بر تکبیر، سمت و سوی ضد دولتی و ضد بعثی دارد. لحظه به لحظه بر جمعیت حاضر در خیابان افزوده می‌شود. نیروهای اطلاعاتی، مردمی که قصد بیرون آمدن از حرم مطهر امیر مؤمنان علیه السلام داشتند را محاصره می‌کنند، اما این بار مردم ساکت نمی‌مانند و با هر چه به دستشان می‌رسد، به مبارزه برمی‌خیزند. نتیجه این درگیری تعدادی کشته و زخمی از هر دو طرف بود؛ اما نظامیان و مردم همچنان بر مواضع خویش پافشاری می‌کنند و شعارهای مردم تند و تیزتر شده و خواهان سقوط نظام بعثی‌اند.

جمعیت به طرف شارع صادق به حرکت خویش ادامه می‌دهد تا به میدان امام علی علیه السلام که از قبل نیروهای انتظامی در آن مستقر شده بودند می‌رسند، اما جمعیت مردم آن‌قدر زیاد است که نیروهای مسلح عقب‌نشینی می‌کنند؛ اما همزمان به روی مردم آتش گشوده و تعداد دیگری زخمی و مجروح شدند؛ اما تیراندازی نظامی‌ها نیز مانع پیشروی انقلابیون نشد. با اصرار مردم به ادامه حرکت، درگیری شدیدی میان آنها و نیروهای امنیتی به وجود آمد. در این معرکه، معترضین از جان گذشتگی و شجاعت عجیبی از خود نشان دادند تا جایی که توانستند بعثی‌ها را عقب برانند.

بدین ترتیب مردم به سمت پایگاه‌های نظامی از پیش تعیین شده به راه افتادند. یکی از مراکزی که به تصرف مردم درآمد، اداره پلیس در غرب نجف بود که در آن سلاح‌های فراوانی به دست مردم افتاد. همچنین عده‌ای دیگر، پس از پنج ساعت و بر جای گذاشتن تلفاتی چند توانستند مرکز اصلی پلیس نجف را به چنگ آورند.

انقلابیون چند مدرسه را به عنوان پایگاه و سنگر تصرف کردند و به سربازانی که در جامع طوسی مستقر شده بودند، حمله‌ور شده و همه را بیرون راندند و سپس ساختمانی نزدیک دانشکده فقه را نیز از چنگ بعثی‌ها درآوردند.

نیروهای ضدشورش در محله‌ای نزدیک بیمارستان «حی السعد» در میدان «ثورة العشرين» مستقر شدند. انتخاب این منطقه به دلیل نزدیک بودن به شهرک «اسکان» جنبه تاکتیکی داشت و این طور وانمود می‌شد که شهرک‌نشینان به گروگان گرفته شده‌اند و مردم دور تا دور آن را به محاصره خویش درآوردند.

دوشنبه، ۱۷ شعبان

صبح گاهان مردم به دولتی‌های تجمع کرده در ساختمان «غرفة التجارة والبنایة» هجوم برده و بعد از یک درگیری نابرابر، بر ساختمان مورد نظر و ساختمان‌های اطرافش سیطره پیدا کردند.

در این روز ساختمان مرکزی حزب بعث که متصل به دادگاه اصلی نجف بود نیز به تصرف مردم درآمد. حاصل این درگیری کشته و زخمی شدن ده‌ها تن از مردم و به اسارت در آمدن چندین بعثی بود. مرکز اطلاعات نجف نیز پس از دقایقی سقوط کرد و همه بازداشت‌شدگان آزاد شدند.

آثار شکنجه و گرسنگی و تشنگی بر جسم آنان هویدا بود. اسناد و مدارک مهمی نیز به دست آمد. ساختمان استانداری نجف نیز سقوط کرد و سرانجام در ساعت سه بعدازظهر، تمام نجف و حومه آن آزاد شد.

پرچم سبزرنگی به نشانه آزادی، بر بالای بام خانه‌ها به اهتزاز درآمد و اعلامیه‌ها به طور مداوم برای هماهنگی در اداره شهر، از بلندگوهای حرم علوی و مساجد پخش می‌شد. در پی آزادی نجف، کوفه و به دنبال آن کفل (شهری در جنوب شرقی عراق) و خان‌النص (منطقه‌ای میان کربلا و نجف) آزاد شدند.



نیروهای ضدشورش در محله‌ای نزدیک بیمارستان «حی السعد» در میدان «ثورة العشرين» مستقر شدند. انتخاب این منطقه به دلیل نزدیک بودن به شهرک «اسکان» جنبه تاکتیکی داشت و این طور وانمود می‌شد که شهرک‌نشینان به گروگان گرفته شده‌اند و مردم دور تا دور آن را به محاصره خویش درآوردند.



مردم به دنبال زندان‌های مخفی و محبوس‌شدگان زیرزمینی می‌گردند. در نتیجه، زندانی مخفی در زیر حرم کمیل بن زیاد در منطقه «حنانه» پیدا شد؛ اما نتوانستند درب ورودی‌اش را ببانند؛ به همین علت دست به دامن مهندسی آشنا به نقشه ساختمان شدند. مهندس گفت: درب ورودی و اصلی چند صد متر با درب اول فاصله دارد.

سه‌شنبه، ۱۸ شعبان

مردم به دنبال زندان‌های مخفی و محبوس‌شدگان زیرزمینی می‌گردند. در نتیجه، زندانی مخفی در زیر حرم کمیل بن زیاد در منطقه «حنّانه» پیدا شد؛ اما نتوانستند درب ورودی‌اش را بیابند؛ به همین علت دست به دامن مهندسی آشنا به نقشه ساختمان شدند. مهندس گفت: درب ورودی و اصلی چند صد متر با درب اول فاصله دارد. پس از یافتن درب ورودی و ورود به زندان، افرادی رنگ پریده با موهای پریشان و ریش بلند را یافتند که شب را از روز نمی‌شناختند و از وقایع عراق و جهان بی‌خبر بودند. یکی از آنان درباره احمد حسن البکر^۳ پرسید! به او گفته شد که صدام ده سال پیش او را مسموم کرد و کشت. زندان‌های مخفی دیگری نیز در بیشتر از ده نقطه نجف کشف شد.

جمعه، ۲۱ شعبان

آیت‌الله العظمی خوئی به درخواست انقلابیون کمیته‌ای متشکل از ده نفر را برای سامان دادن به امور انقلاب تأسیس کرد. این هیئت فعالیت خود را با برقراری ارتباط اطلاعاتی با رهبران قیام در کربلا و حله و دیوانیه و تقویت هر چه بیشتر مواضع خویش آغاز کرد. دومین اقدام مهم کمیته، طرح نقشه برای تصرف پایگاه نظامی شهر «محاویل» در جنوب بغداد بود. در این پایگاه سلاح‌های پیشرفته‌ای مانند موشک زمین به زمین وجود داشت. برنامه سوم، حرکت به سوی بغداد بود که منوط به موفقیت در تصرف پایگاه محاویل شد. برنامه چهارم پخش غذای گرم میان مردم و رساندن برنج و روغن و گندم به افراد محتاج و تقسیم مقادیری پول بود. مغازه‌داران نیز قیمت اجناس را پایین آوردند و بدین ترتیب همکاری و اتحادی چشم‌گیر میان مردم برای کمک به یکدیگر صورت گرفت. به دستور صدام، «حسین کامل» (داماد صدام) برای مهار انقلاب مردم، با تمام امکانات دست به حمله زد؛ از جمله حمله بالگردها به شهرها، پرتاب موشک و توپخانه سنگین و ایجاد وحشت و ترس در مردم با پخش اعلامیه. ارتش با همه قدرت به جنگ با مردم آمد. نجف اشرف و حرم مطهر امیر مؤمنان علیه السلام مورد اصابت گلوله و موشک قرار گرفت؛ به مساجد و مدارس و حتی قبور مؤمنین خسارت و جسارت فراوان روا داشته شد و برخی از مردم که توان مقابله نداشتند، مثل کودکان و زنان و پیران در خانه‌ها پناه گرفتند.

محلّ اصابت موشک‌ها نشان می‌داد که بعضی‌ها هدف از پیش تعیین شده‌ای نداشتند و تمایزی میان نظامی و غیرنظامی نمی‌نهادند. ارتش تا دندان مسلح، با حمایت و پشتیبانی بالگردها به جان مردم افتادند. بعضی‌ها بر روی دیوار نوشته بودند: «پس از امروز، شیعه‌ای نخواهد بود».

نجف اشرف آماج حملات سنگینی قرار گرفت، اما مردم توانستند چهار بالگرد را ساقط کنند. نیروهای تحت فرمان حسین کامل برای ورود به نجف از مسیرهای حله و کوفه تلاش فراوان کردند، اما این تلاش‌ها سودی نبخشید. نجف شاهد مقاومتی بی‌باکانه از سوی مردم بود تا جایی که توانستند چهار روز بعضی‌ها را بیرون شهر معطل کنند؛ اما سرانجام نیروهای مسلح توانستند از برخی نقاط بی‌محافظ وارد نجف شوند. آنان برای ورود به نجف، در برخی مسیرها زنان و کودکان را سپر قرار دادند. در اولین اقدام، به خانه آیت‌الله خوئی رفته و ایشان و تمام افراد حاضر در بیت را دستگیر کرده و نزد صدام بردند. این ملاقات در روز سوم رمضان از تلویزیون عراق پخش شد تا انقلابیون دلسرد شوند.

پس از دستگیری ایشان، عملیات پاکسازی شهر از انقلابیون و حامیان انتفاضه آغاز شد و در مدت اندکی، هزاران نفر از مردم و تعدادی نزدیک به صد و پنجاه تن از علما و طلاب عراقی بازداشت شدند.

یکشنبه، ۹ رمضان

نیروهای بعضی با توسل به زور و کشتار و تعقیب در سطحی وسیع، بر تمام نجف مسلط شدند. حسین کامل برنامه

آیت‌الله العظمی خوئی به درخواست انقلابیون کمیته‌ای متشکل از ده نفر را برای سامان دادن به امور انقلاب تأسیس کرد. این هیئت فعالیت خود را با برقراری ارتباط اطلاعاتی با رهبران قیام در کربلا و حله و دیوانیه و تقویت هر چه بیشتر مواضع خویش آغاز کرد.

نجف اشرف آماج حملات سنگینی قرار گرفت، اما مردم توانستند چهار بالگرد را ساقط کنند. نیروهای تحت فرمان حسین کامل برای ورود به نجف از مسیرهای حله و کوفه تلاش فراوان کردند، اما این تلاش‌ها سودی نبخشید. نجف شاهد مقاومتی بی‌باکانه از سوی مردم بود تا جایی که توانستند چهار روز بعضی‌ها را بیرون شهر معطل کنند.

پنج حمله به نجف را در دستور کار خویش قرار داد. اولین اقدام او تفتیش خانه به خانه مجاهدین بود. با کوچکترین شک، افراد را بازداشت و خانه‌هایشان را با بمب منفجر می‌کردند. پیکرهای شهدا در سطح شهر و در کوچه و خیابان پراکنده بود؛ مخصوصاً در میدان ثورة العشرین وضع بسیار اسفناک بود؛ چون بعضی‌ها اجازه دفن پیکرها را نمی‌دادند و کسی جرأت نزدیک شدن به پیکرها را نداشت. این وضعیت تا پایان ماه رمضان ۱۴۱۱ ادامه داشت.

بعضی‌ها به درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های نجف نیز حمله کرده و پزشکان و پرستاران را که به مداوای مجروحین پرداخته بودند را همان‌جا اعدام کردند. نیروهای بعضی بیماران و پزشکان را با سلاح سرد و گرم به قتل رسانده و سپس لباس پزشکان مخصوصاً بانوان را از تن درآورده و پیکرهایشان را تکه تکه کردند.

علل شکست انتفاضه شعبانیه

انقلاب مردم عراق در شعبان سال ۱۴۱۱ به شکست منتهی شد و به هدف اصلی خود که اسقاط رژیم بعث صدامی بود، نرسید. علل این ناکامی از این قرار بود:

۱. ترس و وحشت مردم

بی‌رحمانه و وحشیانه برخورد کردن بعضی‌ها در سرکوب انتفاضه، دلهره شدیدی در دل مردم انداخت. استفاده ارتش از سلاح‌های سنگین، بر این هراس افزوده بود؛ مثل موشک‌های زمین به زمین، تانک‌ها، زره‌پوش‌ها و توپخانه و نیروی هوایی. دولت مردم را تهدید به استفاده از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی کرد و مردم می‌دانستند هر کاری از دولتی که هیچ ارزشی برای انسانیت قائل نیست برمی‌آید.

۲. تخریب زیرساخت‌ها

نیروهای نظامی به بهانه حمله به مردم، زیرساخت‌های کشاورزی و صنعتی و راه‌های ارتباطی سر راه خود را از بین می‌بردند. انهدام انبارهای مواد غذایی و وسایل ضروری و محاصره مردم عملاً آنان را فلج کرده بود.



۳. نبود برنامه‌ریزی در روند انتفاضه

انقلاب مردم در عراق مانند جرقه‌ای بر انبار باروت و به شکلی دفعی و غیرقابل کنترل بود. این وضعیت پس از سال‌های طولانی فشار و ستم شدید صدام طبیعی بود. گسترده شدن ابعاد این حادثه و پراکندگی آن نمی‌گذاشت این انقلاب در یک مسیر معین قرار بگیرد و شاید نظم دادن به این حرکت خودجوش غیرممکن می‌نمود.

عدم آموزش کافی انقلابیون در حفاظت اطلاعات، منجر به نفوذ بعثی‌ها در حلقه‌های صفوفشان شد و از این طریق سران مجاهدین را شناسایی کرده و خانواده‌های آنان را ربوده و منازلشان را سوزاندند تا رهبران انتفاضه را برای تخلیه اطلاعات و عبرت دیگران تحت شکنجه روحی و جسمی قرار دهند. یکی از شگردهای ضد اطلاعاتی حزب بعث، ایجاد دودستگی و اختلاف میان مردم بود و به این وسیله، آنان را از ادامه پیمودن مسیرشان مستعقیده می‌کردند. این وضعیت باعث شده بود تا مردم به سرعت فریب بخورند؛ مثل این که دولتی‌ها شایعه کردند اگر مردم پایگاه‌های نظامی را به رژیم بازگردانند، سازمان اطلاعات از آنان درمی‌گذرد و می‌بخشد... اما وقتی به هدفشان می‌رسیدند، نقض وعده کرده و تمام ایشان را به قتل می‌رساندند.

در نتیجه دفعی بودن انتفاضه، هماهنگی لازم میان سران قیام در شهرهای گوناگون وجود نداشت و این بی‌اطلاعی از میزان پیشرفت مردم، به شکست قیام انجامید و حتی تحرکات کردها عیه دولت در اقلیم کردستان عراق نیز به زوال گرایید.

۴. کمک دولت‌ها به صدام

اگر مردم عراق توقع کمک از دولت‌های همسایه نداشتند، قطعاً انتظار نداشتند که این دولت‌ها به کمک صدام بشتابند یا در کمک‌رسانی به مردم کارشکنی کنند. انقلابیونی که برای درخواست کمک به برخی کشورهای عربی همسایه رفته بودند، نه تنها پاسخ مثبت نشیدند، بلکه از بازگشت به خاک عراق منع شدند. برخی دیگر از کشورهای عربی، عراقیان مهاجر را برای چند روز پشت مرزها نگه داشتند. برخی کشورها نیز که در روزهای ابتدایی انتفاضه، قول یاری داده بودند، بی‌وفایی نشان دادند تا این که کار از کار گذشت و انتفاضه به شکست انجامید.

دولت سعودی به صدور چند بیانیه اکتفا کرد. اردن نیز اطلاعات فراریان به این کشور را در اختیار نیروهای امنیتی عراق گذاشت. ترکیه نیز کمک قابل توجهی به انتفاضه نکرد و مرز خود را فقط برای پذیرش کردها، آن هم به شکل محدود باز کرد. فقط جمهوری اسلامی ایران بود که با آغوشی باز مرزهای غربی خود را برای استقبال از صدها هزار مهاجر عراقی گشود.

۵. خیانت برخی گروه‌های سیاسی

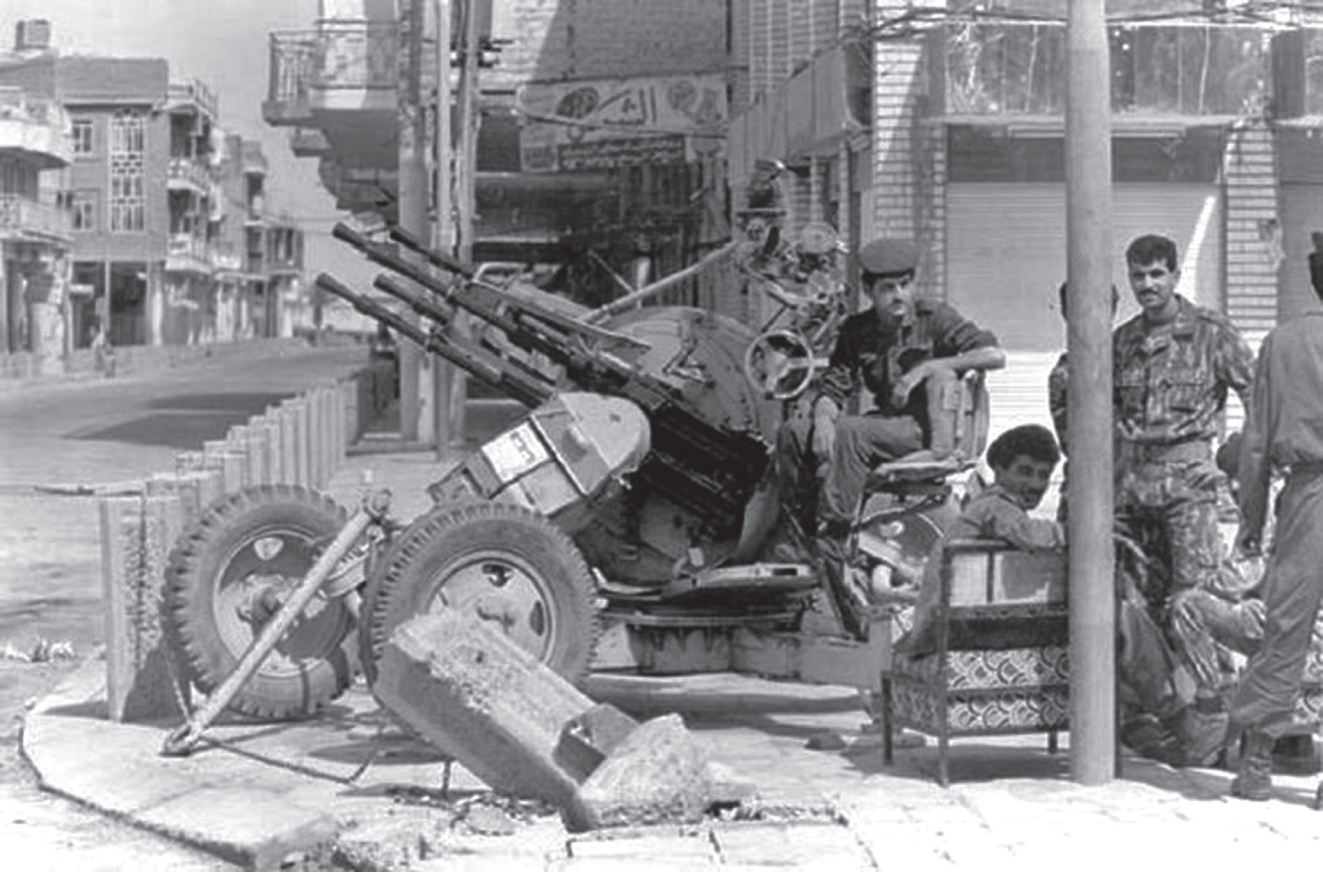
در حالی که مردم عراق در آتش و خون دست و پا می‌زدند، برخی گروه‌های سیاسی به مذاکره با صدام پرداخته و سپس همراه او در کنفرانس مطبوعاتی، با موضوع تعدد احزاب سیاسی سخن گفته و آزادی بیان و انتخابات را نماد بارز آزادی در عراق برشمردند. مردم عراق این مذاکرات را محکوم کرده و آن را ساختگی دانسته و اظهار داشتند که این گفت‌وگوها برای ایجاد شکاف میان صفوف مردم انجام شده و دولت می‌خواهد ذهن‌ها را از جنایات خود در سرکوب انتفاضه دور کند.

جنایاتی که صدام در روزهای انتفاضه مرتکب شد، عرق شرم بر پیشانی انسان می‌نشانند. اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۸۴ م) و پیمان تحریم نسل‌کشی (۱۹۴۶ م) و بیانیه حمایت از بیماران و زخمیان (۱۹۴۹ م)، همگی زیر پا گذاشته شد و نقض گردید و اساساً اصول انسانی نادیده انگاشته شد. برخی از موارد نقض حقوق بشر توسط صدام در انتفاضه شعبانیه:

عدم آموزش کافی انقلابیون در حفاظت اطلاعات، منجر به نفوذ بعضی‌ها در حلقه‌های صفوفشان شد و از این طریق سران مجاهدین را شناسایی کرده و خانواده‌های آنان را ربوده و منازلشان را سوزاندند تا رهبران انتفاضه را برای تخلیه اطلاعات و عبرت دیگران تحت شکنجه روحی و جسمی قرار دهند.

جنایاتی که صدام در روزهای انتفاضه مرتکب شد، عرق شرم بر پیشانی انسان می‌نشانند. اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۸۴ م) و پیمان تحریم نسل‌کشی (۱۹۴۶ م) و بیانیه حمایت از بیماران و زخمیان (۱۹۴۹ م)، همگی زیر پا گذاشته شد و نقض گردید و اساساً اصول انسانی نادیده انگاشته شد.

۱. اعدام بدون محاکمه قانونی؛
۲. شکنجه‌های طاقت‌فرسا تا حد مرگ؛
۳. بازداشت خودسرانه مردم بر اساس شک و گمان؛
۴. استفاده از زنان و کودکان به عنوان سپر انسانی؛
۵. گلوله‌باران حرم‌های کربلای معلی و نجف اشرف؛
۶. تسلط دولت بر ملت بدون انتخابات آزاد؛
۷. کشتن خانواده‌ها به طور دسته‌جمعی؛
۸. برخورد با مردم، بر پایه طایفه‌گری و مذهب و قومیت؛
۹. محروم کردن شهرهای معترض، از مواد غذایی و خدمات پزشکی و دیگر امکانات؛
۱۰. مثله کردن پیکرها یا آویزان کردن آنها جلوی درب خانه‌ها و منازلشان؛
۱۱. حمله به بیمارستان و کشتن بیماران و پزشکان و پرستاران؛
۱۲. کشتن فرزندان مقابل چشم پدر و مادر و تجاوز به بانوان و دختران جلوی چشم پدران و برادران؛
۱۳. کشتن مخالفین در حله و ناصریه با دست و پای بسته و انداختن اجساد در نهر، در حالی که جسمی سنگین به پای ایشان بسته شده بود؛
۱۴. کشتن انقلابیون با بستن دو پای آنان به دو اتومبیل و حرکت اتومبیل‌ها در دو جهت مختلف؛
۱۵. پرتاب از ارتفاع توسط بالگرد؛
۱۶. انداختن مظنونین به شرکت در انقلاب به درون کوره‌های آجرپزی؛
۱۷. به قتل رساندن زنان حامله با وارد کردن ضربه به شکم آنان؛
۱۸. قرار دادن مجازات قطعی اعدام برای شرکت‌کنندگان در تظاهرات و اعتصابات ضد دولتی؛
۱۹. به کارگیری گازهای سمی و بمب‌های ناپالم و فسفوری (ساخت امریکا) به‌خصوص در نجف و کربلا، در روزهای هشتم تا دهم مارس ۱۹۹۱ م؛



۲۰. منفجر کردن کتابخانه‌های مهمی در نجف و کربلا که بعضاً دارای نسخه‌های تاریخی بود؛ مانند کتابخانه آیت‌الله العظمی حکیم و کتابخانه دارالعلم؛
۲۱. اعدام دسته‌جمعی انقلابیون و دفن آنها در گورهای دسته‌جمعی؛
۲۲. غارت خانه‌ها و مغازه‌های مردم و سپس تخریب آنها.
- تعقیب فعالان سیاسی تا بیرون مرزها در سعودیه و اردن ادامه داشت و در نتیجه، همه آنان بازداشت و پس از بازگرداندن به عراق، اعدام شدند.
- در اثنای انتفاضه، قبور مؤمنین در وادی السّلام و مرقد آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله العظمی حکیم و شیخ عبدالله مامقانی مورد اصابت خمپاره و موشک قرار گرفت.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ . این مقاله از کتاب «نقش نجف اشرف در تمدن بشری» نوشته دکتر ولید حلّی، ج ۲، ص ۳۶۹ برگزیده شده است.
- ۲ . ولید حلّی، الواقع و آفاق المستقبل، ص ۴۵.
- ۳ . رئیس جمهور عراق بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۹ م بعد از عبدالرحمان عارف و پیش از صدام.